

منجھک

سال پانزدہم / شماره ۷۸ / بهمن ماه ۱۴۰۳

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ

سلام بر تو ای وعده تضمین شده پروردگار





نیمه‌ی شعبان، مظهر امید به آینده است؛ یعنی همه‌ی امیدهایی که ما به چیزی پیدا می‌کنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به‌وسیله‌ی ولی مطلق حضرت حق، حضرت صاحب‌الزمان ع امید غیر قابل تخلف است. **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ**^۱ وعده‌ی تضمین‌شده‌ی خدا است؛ **السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْعَوْتُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ**^۲؛ این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. فقط هم ما شیعه- نمی‌گوییم، فقط هم ما مسلمان‌ها نمی‌گوییم، [بلکه] همه‌ی ادیان عالم منتظر یک روز آن‌چنانی هستند.

بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۷/۲/۱۰

۲- همان

۱- فرازی از زیارت آل یاسین



ماهنامه **منهج** | بهمن ۱۴۰۳ | شماره ۷۸

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نبش کوچه ۸، روبروی
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود



مؤسسه فرهنگی و اجتماعی حضرت مهدی موعود

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

- سخن سردبیر **۴**
- در محضر شهید **۶**
- دقایقی پای خاطرات استاد **۱۲**
- زمینه سازی برای ظهور **۱۵**
- رسانه **۱۹**
- دیپلماسی فرهنگی **۲۳**
- تمثیلات مهدوی **۲۹**
- معیار حق و باطل **۳۴**
- باستانگرایی **۳۹**
- طلوع آخرین خورشید **۴۳**
- وعده تخلف ناپذیر **۴۶**
- تلنگر **۴۸**
- گزارش تصویری **۵۳**

سخن سردبیر

بدون تردید دُعا از بهترین وسائل قرب الهی و رسیدن به خواسته‌های دنیوی و اخروی است؛ چون یکی از اقسام نصرت حضرت ولی عصر علیه السلام یاری کردن به زبان است و دعا برای آن حضرت، یکی از انواع یاری کردن به زبان می‌باشد.

هرچه دعا کننده از ایمان و اخلاص بیشتری برخوردار باشد، دعای او به اجابت نزدیک تر خواهد بود. تصور کنید که یک عالم ربانی به شما بگوید که شب گذشته در راز و نیازم، حال خوشی به من دست داد و شما را، ویژه دُعا کردم، چه حالی پیدا می‌کنید و چه نشاطی در شما پدید می‌آید!! حال اگر شیعه‌ی منتظر بدانند و بفهمند که نه یک بار، بلکه همیشه مشمول دُعی خیر امام زمان خویش است، چه احساسی پیدا می‌کند؟! یکی از یاران امام رضا علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: برای من و خانواده ام دعا کنید. امام علیه السلام فرمودند: او لست افاعل؟ آیا چنین نمی‌کنم؟! ۱

یعنی شیعیان هر امامی مشمول دعا‌های امام زمان خویش می‌باشند و این به دلیل نهایت لطف و محبتی است که امام علیه السلام نسبت به پیروان خود دارند و نیز به دلیل قدردانی امام علیه السلام از احساس و نیکی شیعیان نسبت به امام خویش است، یعنی در پاسخ دعا‌هایی که شیعیان برای فرج و سلامتی امام می‌کنند، امام نیز پیوسته برای حوائج دنیوی و اخروی ایشان دعا می‌کند و البته

دعای امام کلید هر خیر و خوبی است.

سید بن طاووس می گوید: در شب چهارشنبه ۲۳ ذیقعده الحرام سال ۶۳۸ قمری در «سرّ من رأی» بودم، سحرگهان در سرداب مطهر می شنیدم که آن حضرت علیه السلام در حق شیعیان خود بدین عبارت دعا می فرمودند: **إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَفَصَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى [بِالْغِنَاءِ] وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ [الْكَرَامَةِ] وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ؛^۲ خدایا؛ به حق آن که با تو مناجات کرد و به حق آن که در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مؤمنین به غنا و ثروت و بر بیمارانشان به شفا و سلامتی و بر زندگان آنان به لطف و کرم و بر اموات آنان به مغفرت و رحمت و بر مسافران و غریبان آنان به بازگشت به وطن هایشان تفصّل فرما.**

پس چه زیباست که با دعا کردن برای حضرت و تعجیل در فرج ایشان، خود را مشمول دعای خیر حضرت نمائیم. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ**

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹

۲- مهج الدعوات، ص ۲۹۵

آسمان ابری است؟

ابراهیم بالای جیب لندرو رفت و قطعه‌نامه ای را که در آن با صراحت، خواهان سرنگونی رژیم شاهنشاهی و انحلال ساواک بود را با بلندگو و در برابر چشم نیروهای شاه خواند. عوامل شاه، او را شناسایی کردند. ابراهیم می‌دانست دیگر شهرضا، جای ماندن نیست. با یکی از دوستانش، شهر را ترک کرد. دو ساعت بعد، نیروهای نظامی به خانه مان ریختند، اما از پسر اثری نیافتند. ما هم از ایشان، بی‌خبر بودیم تا این که ده روز بعد، ابراهیم از کازرون یا سمیرم، با منزل خواهرش تماس گرفت. بین ما رمزی بود، پرسید: آسمان ابری است؟ گفتم: نه، صاف صاف است. دو روز بعد، ابراهیم خود را به شهرضا رساند و باز، روز از نو، روزی از نو^۱.

۱- همت بی‌پایان: پژوهشی درباره زندگی شهید والامقام محمدابراهیم همت، اثر: علیرضا افتخاری، امیر حسین شیرخانی با کمی دخل و تصرف

در محضر شهید

////// وداع آخر (از خاطرات شهید مجید قنبری) ////

مجید ۱۸ سالش بود که تصمیم گرفت به جبهه برود. هر کاری کردیم که مانع رفتنش بشویم، فایده ای نداشت. پدرش به او گفت: تو بمان تا من بروم، هر وقت برگشتم، تو برو. قبول نکرد و گفت باید بروم... روز اعزام به او گفتم: مجید! من دوست ندارم تو را دست و پا شکسته ببینم! مواظب خودت باش، نیروی و درب و داغون برگردی. خندید و گفت: نه مامان! خیالت راحت، من جووری می‌روم که حتی جنازه ام هم به دستت نرسد. به شوخی گفتم: لال شی! این چه حرفی هست که می‌زنی. چیزی نگفت و ساکت ماند...

موقع اعزام تقریباً تمام مادرها توی محوطه‌ی چمن پادگان، کنار بچه‌هایشان بودند اما مجید اصلاً کنارم نمی‌ماند. من هم دوست داشتم او هم مثل بقیه بسیجی‌ها کنارم بماند. اما مجید کم می‌آمد. هر وقت هم می‌آمد، گونه‌هایم را می‌گرفت و می‌گفت: چیه مامان! چرا رنگت پریده؟ چرا ناراحتی؟ به او گفتم: این چه وضعشه؟ همه‌ی بسیجی‌ها کنار مادرانشون هستن، تو چرا مُدام این ور و اون ور می‌روی و پیشم نمی‌نشینی؟ اولش طفره می‌رفت و جواب نمی‌داد، یک بار که خیلی اصرار کردم که کنارم بماند، گفت: مامان جان! من وقتی کنارت می‌نشینم و اون احساس مادرانه را توی چهره ات می‌بینم، می‌ترسم شیطان وسوسه ام کنه و نگذاره جبهه بروم، می‌ترسم این محبت مادری، مانع از رفتنم بشه، واسه همین کم میام و کنارت می‌شینم... موقع رفتن، سراغم آمد، با من روبوسی کرد و گفت: مامان! وقتی سوار شدیم، من وسط اتوبوس می‌ایستم، من تو رو، نگاه می‌کنم، تو هم من رو، نگاه کن، تا جایی که میشه، همدیگه رو نگاه کنیم... وقتی ماشین حرکت کرد، تا لحظه‌ی آخر

برایش دست تکان می‌دادم، او هم برایم دست تکان می‌داد، تا جایی که دیگر
همدیگر را ندیدیم. این آخرین دیدارمان بود. چند روز بعد خبر شهادتش را
آوردند. همان طور که خودش گفته بود، دیگه جسدش برنگشت.^۲

۲- کتاب فرزندان روح الله (به سوی قربان گاه)، اثر: غلامعلی نسائی، راوی: مادر شهید مجید قنبری با
کمی دخل و تصرف

در محضر شهید



کاغذهای پنهان

توی مغازه خیاطی، مشغول کار بودم که محمدجواد وارد شد. انگار داخل پیراهنش، چیزی مخفی کرده بود، دستم را گرفت و من را به انتهای مغازه برد. ناگهان آستر کُتم را از قسمت یقه، پاره کرد! اعلامیه‌هایی که داخل پیراهنش پنهان کرده بود، را بیرون آورد و آن‌ها را درون آستر کُت ریخت. به پایین آستر که بسته بود، اشاره کرد: این طوری پایین نمی‌افتند. آن وقت کُت را تنم پوشاند و گفت: شما حدود ساعت ۹ شب تعطیل می‌کنید و کسی مزاحمتون نمی‌شود. این اعلامیه‌ها را به خانه برسون، وقتی با مأمورین برخورد کردی، بی‌هیچ ترسی از کنارشون عبور کن.

بین راه مغازه تا خانه، هنگام راه رفتن، کاغذهای پنهان شده در، درون آستر کُت بر اثر جابجایی، خش‌خش می‌کردند. همان وقت هم به چند مأمور برخورد کردم، خیلی ترسیده بودم اما صدای محمدجواد، در گوشم پیچید که: بی‌هیچ ترسی و با خیال راحت، از کنارشون بگذر. با مرور این جمله، بالاخره اعلامیه‌ها را به خانه رساندم.^۳

۳- سردار استقامت: بر اساس زندگی شهید محمدجواد آخوندی، اثر سارا عرفانی، راوی: محمد ولی آخوندی، برادر شهید با کمی دخل و تصرف

مجلس شهادت

راز عزتمندی

رفاقت من و حاج قاسم خیلی عمیق بود، هرچند وقت یک بار به خانه یکدیگر رفت و آمد داشتیم. یک روز خسته و کوفته، از اداره برگشتم. نگاهی به موبایلم انداخته تا ساعت را چک کنم که متوجه شدم از طرف حاج قاسم، تماس داشتم. سریع با ایشان تماس گرفتم. با حاجی، سلام و علیکی کردم که حاجی بدون معطلی گفت: حاج حسین کجایی؟ امشب همراه خانواده، به منزل ما تشریف بیاورید، سفره‌ای کوچک انداخته‌ایم، تا دور هم باشیم. بدون معطلی قبول کردم.

نزدیک اذان مغرب، به منزل حاجی رسیدیم. نماز را به امامت ایشان خوانده و برای شام، غذایی که همسرشان پخته بودند، را خوردیم. بعد از شام، با ایشان به خاطره‌بازی دوران جنگ، نشستیم. کمی من می‌گفتم و اندکی حاج قاسم. دیر وقت شده بود که گفتم: شرمنده، خیلی دیر وقته، بیشتر از این مزاحمتان نمی‌شویم. سردار نگاهی کرد و با لبخند گفت: کجا این وقت شب؟ امشب را پیش ما باشید. با گرفتن رضایت چشمی از همسر، رو به حاجی کرده و گفتم: چه سعادتى بیشتر از این. حاج قاسم بلند شد و برایمان پتو و تشک تمیز آورد و در اتاق، برایمان پهن کرد.

از بس روز خسته‌کننده‌ای داشتم، تا پلک روی هم گذاشتم، خوابم برد. ناگهان با صدای گریه‌ی مردانه‌ای از خواب پریدم، سر در گم بودم. نمی‌دانستم این‌جا کجاست و ساعت چند است! فقط صدای گریه‌ی مردانه‌ای، از دور به گوشم می‌رسید. دستی به چشمانم کشیده و بعد از این که کمی سرحال شدم، اطرافم را نگاه کرده و با خودم گفتم: یعنی کیه که این وقت شب این

طور گریه می‌کنه! با دقت گوش کردم، صدای حاجی بود، که می‌گفت: الهی
العفو، الهی العفو، الهی العفو....
سرم را چرخانده و ساعت را نگاه کردم، درست ۲۰ دقیقه به اذان صبح مانده
بود....^۴

۴- خاطره از سردار حسین معروفی با کمی دخل و تصرف

در محضر شهید





دقایقی پای خاطرات استاد

طراحی خدا

عبدالفتاح عبدالمقصود از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، در مصر است، مرحوم شهید مفتاح قبل از انقلاب، ایشان را به ایران دعوت کردند. یک روز ایشان را به قم آوردند تا در جمع فضلا صحبت کنند. از جمله مطالب جالبی که این عالم سنّی در جمع علمای شیعه گفتند این بود: آیا می دانید چرا علی علیه السلام در کعبه به دنیا آمد؟ به نظر من چون مردم به سوی کعبه نماز می خوانند، خداوند طراحی ریخت تا هر کس که به کعبه توجه می کند، به علی علیه السلام نیز توجه کند و به این دلیل زایشگاه علی علیه السلام کعبه شد.

عشق به خمینی

در مراسم حج دیدم یک سودانی، پیرمردی ایرانی را که خسته و ناتوان شده بود، به دوش گرفته، تا به مقصد برساند. به او گفتم: به چه انگیزه ای یک ایرانی را به دوش گرفته ای؟ گفت: به خاطر عشق به خمینی رحمته الله علیه.

حفظ آبرو

اسناد محرمانه شخصی، دست من بود که اگر افشا می شد آبرویش می رفت، در ضمن هیچ کس غیر از من، اطلاعی از آن ها نداشت. شبی فکر کردم اگر من بمیرم، این اوراق و اسناد، دست افرادی خواهد افتاد و آبروی مؤ منی، خواهد ریخت. لذا اسناد را از بین بردم. اما متاسفانه بعضی ها، دنبال جمع آوری اسناد، برای روز مبادا هستند.

حقوق حلال

یکی از علمای بزرگوار که از مدرسین حوزه علمیه قم هستند، می گفتند: در رژیم شاه، وقتی مرا دستگیر کرده وبه زندان انداختند، مأموری خیلی مرا اذیت می کرد. به او گفتم: چرا این قدر، مرا اذیت و آزار می کنید؟ گفت: آقا ما از شاه حقوق می گیریم، اگر این کارها را نکنیم که حقوقمان حرام می شود!!

زهد و بخل

به میهمانی دعوت شده بودم، صاحبخانه نان و پنیر آورد و گفت: ما در مراسم عروسی خودمان هم، با نان و ماست پذیرایی کردیم. گفتم: وقتی نوزاد به دنیا می آید، اسلام می گوید، گوسفندی عقیقه کنید، حالا که بزرگ شده، باهنر شده، باسواد شده و ازدواج کرده، باید با برکت تر باشد. علاوه بر این که زهد: یعنی خودت نخور، نه این که به دیگران نده!!

جوانی امام

به مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی گفتیم: ما هر چه شنیده ایم از میانسالی امام شنیده ایم، شما که در جوانی با امام دوست بوده اید، آیا خاطره ای از جوانی امام به یاد دارید؟ ایشان فرمود: خاطرات بسیاری به یاد دارم از جمله این که در زمان رضا شاه، در مدرسه فیضیه نشسته بودیم که یکی از ماموران شاه، وارد مدرسه شد و شروع به فحاشی و قلدری کرد. من شاهد بودم، حضرت امام علیه السلام که بیست و چند سال بیشتر نداشت، جلو آمد و چنان سیلی، بر صورت او نواخت که برق از گوشش پرید.

مدیر نمونه

یکی از مدیران کل آموزش و پرورش، مشغول سخنرانی بود که صدای اذان بلند شد، ایشان گفت: آقایان اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله الآن زنده بودند، چه می کردند؟ نماز می خوانند یا سخنرانی می کردند؟ لذا سخنرانی را قطع کرده و شروع به اذان گفتن، کردند و پس از اقامه نماز، سخنرانی را ادامه دادند.

الگوی مصرف

خدمت مقام معظم رهبری رسیدم، تمام چراغ های اتاق خاموش و فقط چراغ روی میز ایشان، جهت مطالعه روشن بود. اطرافیان گفتند: آقا تنها وقتی میهمان برای ایشان می رسد، چراغ اتاق را روشن می کنند.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف



زمینه‌سازی برای ظهور

باید بدانیم تا زمانی که زمینه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم نشود، برای حضرت، ظهوری نخواهد بود. برخی از شرایط ظهور، با ناامید شدن مردم از نحلّه‌ها و حکومت‌های مختلف فراهم می‌شود و برخی دیگر از آن‌ها به دست ما دوستداران و منتظران آن حضرت فراهم می‌آید. برای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور حضرت، باید گام‌هایی برداشته شود:

گام نخست این است که ابتدا انسان باید، بینشِ توحیدیِ خود را تقویت کند. قطعاً کسانی که می‌خواهند زمینه‌ساز ظهور حضرت باشند، باید در وهله‌ی اول بندگان شایسته‌ای برای پروردگار باشند. در مسئله‌ی توحید و خداشناسی و عمل به وظایف خود نسبت به پروردگار، نسبت به انجام واجبات مانند: نماز، روزه، خمس، حج، زکات، و ترک محرّمات و معاصی، و هر چه در قالبِ حرام و گناه تعریف شده، کوشا باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حقیقت عبودیت سه چیز است: این که بنده خدا، برای خودش درباره‌ی آن چه که خدا به وی سپرده است، ملکیتی نبیند؛ چرا

که بندگان دارای مِلْک نمی‌باشند، همه‌ی اموال را، مال خدا می‌بینند و در آن جایی که خداوند، ایشان را امر نموده که بنهند، می‌گذارند و این که بنده خدا برای خودش، مصلحت اندیشی و تدبیر نکند و تمام مشغولیات او، در آن منحصر شود که خداوند او را بدان امر نموده است و یا از آن نهی فرموده است.^۱

لذا این خدانشناسی و معرفتِ نسبت به حق و بندگیِ الهی، جزء عواملی است که زمینه‌سازی ظهورِ حضرت را فراهم می‌کند.

در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام در باره‌ی یاران خود فرمودند: **فَأِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي**^۲ قطعاً من اصحابی باوفاتر و بهتر از اصحابِ خودم، سراغ ندارم.

در حالات اصحاب سیدالشهدا علیه السلام در شب عاشورا آمده است: **«لَهُمْ دَوَى كَدَوَى النَّحْلِ»**^۳ زمزمه‌ای همانند صدای زنبور عسل داشتند.

همه‌ی این‌ها می‌دانستند که فردا، روزِ شهادتِ آن‌هاست. دغدغه‌ای نسبت به شهید شدن و جان دادن نداشتند. این‌ها در همان شبِ آخرِ زندگی هم، ارتباط خود را با پروردگار برقرار کرده بودند. این‌ها کسانی بودند که در کنارِ ولیِّ خودشان، امامِ زمانِ خودشان، سیدالشهداء علیه السلام ماندند.

در اوصاف یاران امام زمان علیه السلام هم، در روایت داریم که: **«رِجَالٌ لَا يَتَأْمُونَ اللَّيْلَ...»**^۴ یاران امام زمان علیه السلام، کسانی هستند که این‌ها پاسی از شب را، شب‌زنده‌داری می‌کنند و بخشی از شب را، به مناجات می‌پردازند. **«لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ»**^۵؛ این‌ها در نمازهای خودشان، مثل زنبور عسل، مشغول مناجات و راز و نیاز و زمزمه هستند. یعنی این‌ها، چون خدانشناس‌های

موفقی هستند، قطعاً امام‌زمان‌شناس‌های موفق‌ی هم هستند و این‌ها با این رفتار و با این بندگی و با این عبادت، زمینه‌سازِ ظهورِ حضرت می‌باشند. گام دیگری که در زمینه‌سازیِ ظهورِ حضرت، نقش بسیار مهمی دارد، ولایت‌پذیری است. ما در زندگی باید سعی کنیم که سخنان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام)، برای ما اصل و حرفِ اول باشد. ما در تجارت، در سیاست، در رفتارهای خود و در بایدها و نبایدهای زندگی‌مان باید ببینیم، آن بزرگواران چه فرموده‌اند. آنچه که آن‌ها می‌پسندند و آنچه که آن‌ها می‌فرمایند را در زندگی خود به کار بندیم. گام بعدی، عشق و علاقه‌ی خود را در گفتار و رفتار، به امام زمانِ خود، بتوانیم ثابت کنیم. ما می‌خواهیم به‌عنوان زمینه‌سازِ ظهورِ حضرت باشیم، باید علاقه و عشق خودمان را هم در کلام و هم در رفتار به آن حضرت نشان دهیم. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»؛ زینت ما باشید نه باعث ملامت و سرافکندگی ما.



منتظران امام زمان علیه السلام باید به گونه‌ای زندگی کنند که هر کس این‌ها را می‌بیند، به یاد امام زمان علیه السلام بیفتد و علاقه‌مند به حضرت بشود. بگویند اگر «منتظر» این است، پس ما هم همین مسیر را دنبال می‌کنیم.

«منتظر» در عرصه‌ی اقتصادی، ظلم نمی‌کند، در عرصه‌ی اداری، ستم نمی‌کند، در کانون خانواده، فساد را گسترش نمی‌دهد. تعدّی و ظلم نمی‌کند....

گام دیگر، پرهیز از محرّمات است که می‌تواند در زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام ما را یاری کند. ما می‌خواهیم مُصلِح بیایم. ما می‌خواهیم خورشیدِ عالم‌تاب، طلوع کند. قطعاً با موانع این اتفاق مبارک، باید مبارزه کرد که از موانع آمدنِ مصلِح، فساد است. ما خودمان، باید صالح زندگی کنیم و فساد را از رفتار و گفتار خود و خانواده‌ی خود و جامعه‌ی خود، کنار بزنیم.

از مقتضیات طلوع خورشید، بیرون رفتن و خارج شدن از ظلمت‌ها است، گناه، جز ظلمت برای بشریت، چیزی به دنبال ندارد.

۱- کتاب راز دیدار علم (دریچه‌ای به حدیث عنوان بصری)، اثر سید علی اصغر علوی

۲- الإرشاد شیخ مفید، ص ۲۵۰

۳- لهوف، ص ۹۴- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴

۴- بحار الأنوار مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۵- همان

۶- همان، ج ۶۵، ص ۱۵۱

در شماره‌های گذشته به برخی از آسیب‌های رسانه در خانواده مانند ترویج خانواده مُدرن بی بند و بار، ترویج خیانت، ارزش‌زدایی از مفهوم غیرت، تحریک روحیه تجمل‌گرایی، تحریک روحیه تنوع‌طلبی، کاهش نسل بشر از طریق سقط جنین، هم‌جنس‌گرایی و ازدواج سفید و هم‌چنین زندگی با حیوانات در منزل و نام‌زدایی اسلامی اشاره کرده و به آن پرداختیم. در این شماره به آسیبی دیگر می‌پردازیم.

کسب و تغذیه حرام

یکی از مسائلی که در دین مبین اسلام بسیار مورد اهمیت قرار گرفته است کسب حلال و لقمه پاک است. آیات متعددی در قرآن و روایات وجود دارد که بحث کسب حلال و دوری از مال حرام یا نوع تغذیه را بیان کرده است. مثلاً یک نمونه از آیات قرآن در کسب حلال و پرهیز از مال حرام، بحث حرام بودن ربا در مقابل کسب و تجارت است که قرآن می‌فرماید: **الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** کسانی که ربا می‌خورند (در قیامت)

رسانه

برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد) این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست)، در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی، به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او، به خدا واگذار می‌شود (و خدا گذشته او را خواهد بخشید) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش بوده و همیشه در آن ماندگار خواهند بود.

یا در باب تغذیه از حیوانات می‌فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقٌ...^۲ [خوردن مواد ناپاک که تناسبی با جسم و روح شما ندارند مانند] گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه‌شده و آن چه به زجر کشته شده (به ضرب چوب و سنگ، مُرده) و آن‌ها که بر اثر پرت شدن از بلندی، بمیرند و آن‌ها که به ضرب شاخ حیوان دیگری، مُرده باشند و باقیمانده صید حیوان درنده، مگر آن که (به موقع به آن حیوان برسید) و آن را سر بُرید و نیز آن چه برای بت‌ها (در برابر آن‌ها) قربانی شده، (همه) بر شما حرام شده است (و هم چنین) قسمت کردن گوشت حیوان، به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی، بر شما حرام گشته است. تمام این اعمال، فسق و گناه و نافرمانی (از احکام خدا) است.

در روایت‌های فراوان نیز در مورد کسب حلال و اهمیت آن چیزی که انسان تغذیه

می‌کند، روایات فراوانی از زبان معصومین (علیهم‌السلام) بیان شده است. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: **طَلَبَ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ**؛^۳ به دست آوردن [روزی] حلال، بر هر مرد و زن مسلمان، واجب است. در روایات، آثار بسیار زیادی در مورد کسب و تغذیه حلال و مشکلات کسب حرام، بیان شده که در این مختصر نمی‌گنجد، اما این نشان از اهمیت موضوع دارد، چرا که انسانی که برای بندگی خدا خلق شده در مسیر، اگر از حرام خودداری نکند یا در کسب حلال کوشا نباشد، نمی‌تواند سیر معنوی خود را با آلودگی‌های مُحرمات داشته باشد.

متأسفانه در دنیای امروز، ما شاهد گسترش محرمات کسب و کار و تغذیه‌های حرام در رسانه‌ها هستیم که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.
۱) تبدیل امور غیر اخلاقی، به عنوان یک صنعت پردرآمد در رسانه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای

۲) تبلیغ و توسعه‌ی راه‌های کسب‌درآمدهای نوین، به صورت Network marketing

۳) کسب در آمد، از طریق ارز دیجیتال (البته نگاه فقهی مراجع عظام و ادله فقهی در این زمینه قابل بررسی است)

رسانه

۴) وجود سایت‌های متعدد قمار بازی، لاتاری و امثال این موارد
 ۵) وجود انواع صفحه‌های متعدد، در تبلیغ در آمد از طریق مسائلی که امور شرعی
 را زیر پا می‌گذارند مانند کاشت ناخن در بانوان یا تاتو و ...
 ۶) ترویج و تبلیغ خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های حرام، به انحاء مختلف در فیلم‌ها،
 سریال‌ها، برنامه‌های آموزش آشپزی و ...
 این موارد و امثال آن، امروز در زمینه کسب و تغذیه حرام، به وضوح در رسانه‌ها
 قابل مشاهده است که کشیده شدن افراد به این مسائل، می‌تواند در فرد و جامعه،
 اثر مخربی ایجاد کند.

پادمان نرود که امام حسین (علیه السلام) در مورد دشمنانش در روز عاشورا فرمودند: و
 كَلِّمُوا عَاصِیَ لَأَمْرٍ غَیْرِ مُسْتَمِیعٍ قَوْلِی فَقَدْ مُلِئْتُ بِطَوْنُكُم مِّنَ الْحَرَامِ وَ طَبِخَ عَلِی
 قُلُوبِكُمْ؛^۱ همه شما از من نافرمانی می‌کنید و به سخنان من گوش نمی‌دهید؛ زیرا
 شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر [غفلت] خورده است.

پس غذای حرام در وجود انسان موجب تاریک شدن قلب می‌شود و در نتیجه
 انسان را به سوی انواع گناهان، عصبیت‌های نابجا، اخلاقیات بد و بسیاری از رذایل
 اخلاقی دیگر می‌کشاند، اینجاست که باید گفت غذای حلال، دوام معنویت و غذای
 حرام نیز هلاکت انسان را در پی خواهد داشت و نور ایمان را، به تدریج از قلب آدمی
 خارج می‌کند.

ادامه دارد
 محمدعلی غیبی

۱- بقره/۲۷۵

۲- مائده/۳

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۹، ح ۳۵

۴- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸

کشورهای مختلف جهان با درجاتی متفاوت، به اهمیت دیپلماسی فرهنگی پی برده و هر کدام در حد ظرفیت و توان خود، برای پیاده کردن آن تمهیداتی اندیشیده‌اند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به طور عام و در حوزه‌ی تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر به طور خاص، در گرو استفاده درست از ساز و کارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از یک کشور یا یک حکومت دارند، تنها در سایه‌ی دیپلماسی فرهنگی، قابل تغییر و اصلاح است.

در کنار به کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به شاهراه‌های دیپلماسی فرهنگی نیز توجه کرد و با برنامه‌ریزی حساب‌شده در حوزه‌های آموزشی، هنری

فرهنگی

دیپلماسی



و فرهنگی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور و تأمین منافع کشور اقدام کرد. تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها، رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادیهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، به کارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد.

این نوع دیپلماسی که اساساً به دنبال جلب نظر مردم و ایجاد یک تصویر مثبت از کشور هدف، در افکار عمومی ملت‌ها است، همواره ابزاری دوگانه بوده که در بسیاری موارد از آن برای اهداف استعماری و سلطه‌جویانه، استفاده شده است. نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در سیاست‌های انگلیس در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی مشاهده کرد. در این دوره، انگلستان با ایجاد مراکز فرهنگی، کمک‌های خیریه و نشان دادن همراهی ظاهری با خواسته‌های مردم کشورهایمانند ایران، در تلاش بود چهره‌ای مردمی



و دلسوز به خود بگیرد. اما در عمل، سیاست‌های آن کشور با حمایت از حکومت‌های استبدادی و تأمین منافع استعماری، به دنبال نفوذ و کنترل بیشتر بر منابع و بازارهای کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره بود. این رویکرد دوگانه، نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی، به شکلی مشابه عمل می‌شد و به گسترش استعمار و تثبیت قدرت‌های استبدادی وابسته کمک می‌کرد.

گره جنوبی و نفوذ فرهنگی

در دوران معاصر، گره جنوبی یکی از موفق‌ترین کشورها، در استفاده از این دیپلماسی و قدرت نرم برای گسترش نفوذ خود، در سراسر جهان است. گره‌ای‌ها با استفاده از صنایع فرهنگی مانند موسیقی، سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی توانسته‌اند، تصویر مثبتی از کشور خود ایجاد کرده و توجه بسیاری از جوانان و نوجوانان را به سوی خود جلب کنند. موسیقی K-POP و گروه‌هایی مانند BTS به خوبی توانسته‌اند توجه نسل جدید به‌ویژه نسل Z را به فرهنگ گره، جلب کرده و حتی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی در کشورهای مختلف بگذارند. هم چنین،



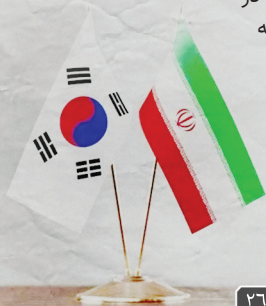
سریال‌هایی چون بازی مُرکب (Squid Game) و فیلم‌های موفق‌مانند انگل (Parasite)، نه تنها به بازتاب مسائل اجتماعی گُره پرداخته‌اند، بلکه به دلیل مفاهیم جهانی خود، توانسته‌اند در مقیاس بین‌المللی محبوبیت زیادی به دست آورند.

این دیپلماسی نرم گُره‌ای‌ها در کشورهای مختلف دنیا، مؤثر بوده و موجب گسترش زبان و فرهنگ گُره‌ای و افزایش تمایل جوانان به آشنایی با این کشور شده است. اما نکته قابل تأمل این است که سیاست عمومی گُره جنوبی، با قدرت نرم خود هم‌خوانی کاملی ندارد و در برخی موارد، تفاوتی آشکار میان فرهنگ‌دوستی ظاهری گُره و سیاست‌های رسمی آن‌ها دیده می‌شود.

رفتار گُره جنوبی در قبال ایران

با وجود نفوذ فرهنگی گُره جنوبی و تصویر مثبت آن در میان مردم ایران، سیاست‌های رسمی این کشور در قبال ایران، بارها موجب نارضایتی و ناراحتی ایرانیان شده است. در

دهه اخیر، گُره جنوبی به‌واسطه فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی، دارایی‌های ایران را در بانک‌های خود مسدود کرده و حتی در مواردی از تحویل محموله‌ی کالاهای پزشکی و بشردوستانه،



به ایران خودداری کرده است. هم چنین، نمایندگان گُره‌ای در سازمان ملل متحد نیز در موضوعات حساسی علیه ایران، رأی داده‌اند که این امر موجب شده، تصویر گُره در نزد ایرانیان، به شکلی دوگانه و متناقض تبدیل شود. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، یک مقام رسمی گُره جنوبی، اظهار داشت که تا زمانی که ایران رفتار خود را تغییر ندهد، دارایی‌های بلوکه‌شده، به آن کشور بازگردانده نمی‌شود. اظهارنظری که به عنوان تهدیدی ضمنی، تلقی شد و خشم افکار عمومی را برانگیخت. هم چنین در سال‌های اخیر، برخی از مقامات گُره‌ای بارها به شکل غیرمستقیم، از تهدید نظامی علیه ایران، سخن گفته‌اند که با تلاش‌های فرهنگی این کشور برای جلب دوستی مردم ایران، مغایرت دارد. رفتار گُره جنوبی باعث شده، بسیاری از ایرانیان دیپلماسی فرهنگی گُره، را به عنوان ابزاری ریاکارانه و تلاشی برای فریب افکار عمومی، تلقی کرده و نسبت به نیت واقعی آن کشور، دچار شک و تردید شده و به نوعی بی‌اعتمادی، نسبت به آن کشور دچار شوند.

ضرورت استفاده از دیپلماسی فرهنگی در ایران

در حالی که بسیاری از کشورها از جمله گُره جنوبی، به خوبی از این دیپلماسی بهره‌برداری می‌کنند، ایران هنوز نتوانسته، به‌طور مؤثر از این ابزار، برای گسترش نفوذ فرهنگی و بهبود وجهه‌ی خود، استفاده کند. ایران با توجه به پیشینه‌ی فرهنگی، تاریخی و مذهبی خود، پتانسیل بسیار بالایی برای توسعه این دیپلماسی دارد. ایران می‌تواند از اشتراکات فرهنگی و زبانی خود، با کشورهای فارسی‌زبان مانند تاجیکستان و افغانستان

استفاده کرده و زبان فارسی را به عنوان یک عامل وحدت‌بخش، تقویت کند. در حوزه مذهبی نیز، ایران می‌تواند با کشورهای مسلمان، در خاورمیانه و آسیای مرکزی همکاری کرده و به ترویج ارزش‌های مشترک اسلامی بپردازد.

علاوه بر این، با استفاده از اشتراکات سیاسی و اجتماعی با کشورهایی که در طول تاریخ از نظام‌های امپریالیستی آسیب دیده‌اند، می‌تواند به عنوان یک محور مقاومت فرهنگی و اجتماعی عمل کرده و این اتحاد را در میان مردم عادی و افکار عمومی آن کشورها تقویت کند. این نوع دیپلماسی، می‌تواند به ایران کمک کند تا جایگاه مثبت و مؤثری در افکار عمومی مردم جهان، به دست آورده و روابط خود را با سایر کشورها از طریق احترام و اعتماد متقابل گسترش دهد.

منابع:

۱- دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، محمدحسن خانی با کمی دخل و تصرف

۲- پایگاه خبری تحلیلی صاحب نیوز، محمدصادق رحمتی با کمی دخل و تصرف



خطر نفوذ سم و ...

در آخرالزمان از روی هوای نفس شهادت می دهند! به ظلم حُکم می کنند! مرد، پدرش را لعنت می کند و به برادرش حسادت می ورزد! شریک، در معاملات خود خیانت کرده و وفا کم می گردد! زنا شیوع می یابد! مردان خود را در لباس زنان می آریند! روسری حیا از سر زنان برداشته می شود! خود فروشی در دل ها راه می یابد مانند زهر، که در بدن ها رخنه می کند... ثروت را در راه خوانندگی صرف می کنند! و سرگرم دنیا می شوند....!

با وارد شدن سم در هر بدنی، ایجاد مسمومیت، امری کاملاً طبیعی است، لذا جامعه مانند بدن، می تواند دچار مسمومیت شود! اگر به فکر درمان مسمومیت هستید، با زدودن سم، زندگی را احیا کنید...

۱- کمال الدین، ج ۱ ب ۳۲، ج ۱۶، ص ۶۰۴

تمثیلات مهروی

برادران

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: پروردگارا برادرانم را به من نشان بده! اصحاب گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمود: نه! شما اصحاب من هستید. برادران من، مردمی در آخرالزمان هستند که به من ایمان می آورند با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آن ها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آن که از صُلبِ پدران و از رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آن ها بر دینش... مانند کسی است که پاره ای از آتش چوبِ درختِ غَضا^۲، را در دست نگه دارد!^۳

۲- غضا: نام درختی است بسیار محکم که آتش آن سوزان و ذغالش خیلی

با دوام است.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴

تمثیلات مهروی

حاکمیت دین

از سلمان نقل شده است: در آخرین لحظات حیات پیامبر اکرم ﷺ در محضر آن بزرگوار بودم که ناگهان حضرت زهرا (علیها السلام) به بالین پدر بزرگوارشان آمده و از دیدن حال پدرشان، بسیار متأثر شده و شروع به گریستن کردند. ناگهان رسول خدا ﷺ چشم باز کرده و وقتی دخترشان را در حال گریه دیدند، در دلداری از ایشان، مطالبی بیان فرمودند و در بخشی از سخنانشان پس از اشاره به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) فرمودند: ای فاطمه، سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری برانگیخت. مهدی (علیه السلام) این امت از نسل این دو فرزندم است. چون دنیا، پر از هرج و مرج شد، فتنه ها، همه جا را گرفت، راه ها، ناامن گشت، گروهی از مردم بر گروه دیگر برای دنیا، شبیخون زدند، بزرگان بر زیردستان، ترحم نکردند و کوچکترها، احترام بزرگترها را رعایت ننمودند، خداوند کسی را خواهد فرستاد که قلعه های ضلالت، را فتح کند، دین را در آخرالزمان، حاکمیت بخشد و زمین را بعد از آن که از ستم پُر شده، از عدالت پُر کند.^۴

۴- کمال الدین، ج ۱، ب ۲۴، ح ۱۰، صص ۴۹۵-۴۹۴

پسدر

امام زمان علیه السلام را پدر همه اُمّت خوانده اند. قرآن کریم می فرماید: **أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمُ؛** ابراهیم علیه السلام پدر شما است.^۵ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛** من و علی پدران این اُمّت هستیم.^۶ و امام زمان علیه السلام نیز چنین نقشی دارند. امام زنده‌ی هر زمان، پدر اُمّت است؛ نه تنها پدر شیعیان و مسلمانان، بلکه پدر همه انسان هاست. امام رضا علیه السلام در توصیف امام فرمودند: **الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ؛** امام مونسی دلسوز، پدری مهربان و برادری همدل است.^۷

۵- حج / ۷۸

۶- عیون أخبارالرضا، ج ۲، ص ۸۶

۷- کافی، ج ۱، ص ۲۰۰ - عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۱۶

تمثیلات مہروی

دوران طلایی

در دوران طلایی ظهور و حاکمیت امام معصوم علیه السلام همه دنیا به اهل بیت علیهم السلام روی می آورند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرمایند: دنیا پس از سرکشی، به ما روی می کند، چونان شتر ماده‌ی بدخو، که به بچه خود مهربان گردد. سپس این آیه را خواندند: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.^۸

در روایت دیگری ابوسعید خدری، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند: اُمت مهدی علیه السلام آن چنان به سوی او جمع می شوند که زنبور عسل به دور فرمانده خود، جمع شود.^۹ در آن روز (ظهور حضرت)، جامعه بشری پر از عدل و داد شده و مردم با صلح و صفا، با یکدیگر زندگی می کنند و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال می شوند، و این آرزو و خواست عمومی به دست مهدی موعود علیه السلام تحقق خواهد یافت.

۸- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹
۹- الملاحم و الفتن، ص ۶۹؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ان الامة تاوی الیه کالنحل إلی یعسوبها.

تمثیلات مهروی

معیار حق و باطل



خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته ای را به عنوان حجت‌های خود، بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه بی نیاز از این حجت‌ها نمی‌باشند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **وَاللَّهِ، مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضاً مُنْذُ قُبِضَ آدَمَ عليه السلام إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ؛** به خدا سوگند، خداوند از هنگامی که آدم علیه السلام را قبض روح کرد، زمین را بدون امامی که با او به خدا ره جویند، رها نکرد و او حجت بر بندگان خداست و زمین، بدون امامی که حجت خدا بر بندگان باشد، باقی نمی‌ماند. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: **لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ؛** اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشند، یکی از آن دو امام است.

نیاز همیشگی به حجت‌های الهی، ریشه در این واقعیت دارد که آدمی برای پیمودن مسیر هدایت و دستیابی به حقیقت هستی، همواره نیازمند راهنمایی انسان‌های شایسته ای است که از سوی خداوند متعال به این منظور برگزیده شده و هدایت و راهبری انسان‌ها را برعهده گرفته‌اند.

حال این سوال مطرح می‌شود که با وجود کتاب‌های آسمانی چه نیازی به حجت خدا داریم؟ در پاسخ این پرسش باید بگوییم: اولاً کتاب‌های آسمانی خود نیازمند مفسر و مبین هستند و ثانیاً این کتاب‌ها بدون وجود حجت‌های الهی، دچار تحریف و تبدیل یا تأویل و تفسیرهای بی اساس می‌شوند، تا آن جا که حق، بر مردم مشتبه شده و انسان‌ها بیش از پیش، دچار سردرگمی می‌گردند. از این رو، همواره باید در کنار کتاب‌های آسمانی، انسان‌های برگزیده ای به عنوان مفسر و مبین کلام خدا وجود

داشته باشد.

قرآن کریم نیز به این واقعیت توجه کرده و رسول گرامی اسلام ﷺ را عهده دار تبیین و توضیح آن چه بر مردم نازل شده، قرار داده است: **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ... ۳** و این قرآن را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آن چه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی...
بدیهی است، پس از رسول خدا ﷺ هم باید همواره کسانی وجود داشته باشند که با تبیین و تفسیر قرآن، مردم را در پیمودن طریق هدایت، یاری و آن‌ها را از افتادن به راه‌های انحرافی حفظ کنند، این‌ها همان حجت‌های الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. این حجت‌های الهی گاه آشکار بوده و به صورت عادی در جامعه حضور می‌یابند و گاه بر اساس مصالح و حکمت‌هایی، از دیدگان مردم پنهان می‌شوند. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: **لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ؛ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا؛** زمین هرگز از حجت، خواه ظاهر و آشکار یا بیمناک و پنهان خالی نیست.

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: **وَ لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا... ۵** از زمانی که خداوند آدم را آفرید تاکنون زمین از حجت خدا خالی نمانده است، خواه آن حجت آشکار و شناخته شده باشد، خواه غایب و پنهان [از دیده‌ها]. و تا روزی هم که قیامت برپا شود، زمین از این حجت‌های الهی خالی نخواهد ماند.
در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که در صورت غیبت

حجت‌های الهی، مردم چگونه از وجود آن بزرگواران بهره مند می‌شوند؟ در توقیح شریفی که از ناحیه مقدسه خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده است، چنین می‌خوانیم: **وَ أَمَّا وَجْهُ الْاِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالِاِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ**^۶؛ اما چگونگی بهره مند شدن از من در [زمان] غیبتم، بسان بهره‌مند شدن از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان داشته اند.

نکته قابل توجه در مورد دوران غیبت این است که حجت خدا و امام علیه السلام از چشمان مردم غایب هستند اما در بین مردم حضور دارند و همین توجه به حضور امام، عامل ایجاد تقواست و آثار تربیتی شگرفی دارد. کسی که حضور امام را حس می‌کند، به راحتی مرتکب گناه نمی‌شود.

امام معصوم علیه السلام چشم بینا و گوش شنوای خداوند است. اعمال بندگان بر ایشان عرضه می‌شود و هیچ عملی بر ایشان پوشیده نیست. آیت‌الله بهجت در این خصوص می‌فرماید: امام زمان علیه السلام؛ **عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أُذُنُهُ السَّامِعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ وَ يَدُهُ الْمَبْسُوطَةُ**^۷ چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده‌ی خداوند است و از اقوال، افعال، افکار و نیات ما اطلاع دارد.

هم چنین امام معصوم علیه السلام معیار و شاخص برای شناسایی حق از باطل و معروف از منکر می‌باشند. مردم برای این که بدانند آن چه در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها می‌گذرد، حق است یا باطل، معروف است یا منکر، باید به آن بزرگواران رجوع کنند.

در قسمتی از زیارت آل یاسین می‌خوانیم: **فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا**

أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ. ^۸ حق آن است که شما از آن خشنود شوید و باطل آن است که شما از آن به خشم آیید. معروف آن است که شما بدان امر کنید و منکر آن است که شما از آن نهی کنید.

در بخشی از زیارت جامعه کبیره نیز خطاب به حجت‌های الهی عرضه می‌داریم: وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ؛ و حق، با شما و در وجود شماست و از شما، نشأت گرفته و به سوی شما، باز می‌گردد و شما، اهل حق و معدن آن هستید.

۱- اصول کافی، ج ۱، باب ان الارض لا تخلو من حجه، ح ۴۵۱، ص ۳۷۹

۲- همان، باب انه لو لم يبق في الارض، ح ۴۵۷، ص ۳۸۱

۳- نحل / ۴۴

۴- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، بخش ۵

۵- امالی شیخ صدوق : ۲۵۳ / ۲۷۷ به نقل از میزان الحکمه، ج ۱

۶- احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۱، ش ۳۴۴

۷- کتاب در محضر حضرت آیت ا.... العظمی بهجت - ص ۲۲، محمد حسین رخشاد

۸- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین

۹- همان، زیارت جامعه کبیره

در قسمت قبل به آسیب‌های تفکر شوونیسمی یا میهن پرستی در ایران اسلامی اشاره کرده و به سه مورد: تبدیل علاقه معقول و متعادل اقشار و اقوام ایرانی به شوونیسم میهنی و تبدیل اشخاص جامعه به افراد هتاک؛ ستیزه جو؛ پرخاشگر و هنجار شکن و در نهایت به تشکیل جامعه سکولار بر مبنای میهن پرستی پرداختیم و اینک به ادامه‌ی این آسیب‌ها می‌پردازیم:

د. ایجاد تجمعات و اعتصاب‌های غیر قانونی و نامتعارف و تولید اغتشاش

اپوزسیون‌های ضد انقلاب خارج از کشور، در شبکه‌های ماهواره‌ای یا فضای مجازی، مهم‌ترین عوامل برنامه ریزی و تحریک مردم، برای برپایی

باستانگرایی



اغتشاشات در کشور هستند. در عموم اغتشاشات کشور، معمولاً لیدرها و حلقه‌های اطراف آن‌ها را این افراد تشکیل می‌دهند تا برای مردم الگوسازی کرده و به آن‌ها جرأت هر گونه هنجار شکنی را بدهند. لذا افرادی که از این تفکرات تبعیت می‌کنند، بهترین شکار، برای دشمنان ایران هستند که به اسم میهن پرستی، تیشه به ریشه کشور زده و عامل بی ثباتی در آن می‌باشند. آن‌ها با ایجاد تجمعات و اعتصاب‌های غیرقانونی و ایجاد هنجارشکنی در سطح جامعه مانند به آتش کشیدن پمپ بنزین‌ها، بانک‌ها، آسیب به اموال عمومی و ... سعی در ایجاد رعب و وحشت در مردم نموده تا بتوانند کنترل اوضاع را به دست گرفته و از لحاظ امنیتی، در کشور خلل ایجاد کنند.

ه. جاسوس پروری

یکی از ارکان اپوزسیون ضدانقلاب در ایران، جذب نیروهای فعال با رویکرد جاسوسی است. آن‌ها از طُرُق مختلف مثل شبکه‌های ماهواره‌ای یا فضای مجازی، افراد مورد نظر خود را شناسایی و آموزش می‌دهند تا در پوشش‌های گوناگون دست به جاسوسی در کشور بزنند و این یک مسئله بسیار مهم، برای امنیت کشور محسوب می‌گردد.

و. ایجاد روحیه یاس و ناامیدی از نظام

در شبکه‌های معاند ماهواره‌ای مثل ایران اینترنشنال و ... و هم چنین صفحات شبکه‌های مجازی، ما شاهد یک عملکرد بسیار مهم، از جانب

گروه‌های ناسیونالیستی و شووینیستی، در کنار دیگر معاندین هستیم. هر چند که ما منکر مشکلات عدیده کشور، نیستیم و می‌دانیم در عرصه‌های مختلف، گره‌هایی وجود دارد، اما آن‌ها تلاش می‌کنند با بزرگ‌نمایی مشکلات و نشان دادن لاینحل بودن آن‌ها، افکار جامعه را به سمت یأس و ناامیدی کشانده و حتی جنبه‌های مثبت را، وارونه جلوه دهند و این همه پیشرفت کشور در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و ورزشی را نادیده بگیرند، تا مردم از لحاظ روحی و روانی، به شدت متاثر شده و راه حلی را برای رسیدن به راحتی و پیشرفت کشور در نظام موجود، متصور نباشند.

ز. پرورش تروریست داخلی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد تحرکات این نوع از تفکرات، در زمینه تربیت افراد هتاک و هنجارشکن و ایجاد تجمعات غیر قانونی و تولید اغتشاش، پتانسیل بالایی را در به وجود آمدن تروریست‌های داخلی دارا می‌باشد. اکثر ترورهایی که در کشور انجام شده و بالغ بر ۱۴۰۰۰ انسان بی‌گناه به خاک و خون کشیده شدند، به وسیله پرورش تروریست داخلی بوده است. اما به صورت خاص در مورد تروریست‌های دارای تفکرات ناسیونالیستی و شووینیستی، می‌توان به بمب‌گذاری در حسینیه سیدالشهداء (علیه السلام) وابسته به کانون فرهنگی رهپویان وصال شیراز در بهار سال ۱۳۸۷ در حین یک مراسم مذهبی توسط گروه تروریستی موسوم به تندر با سرکردگی جمشید شارمهد، اشاره کرد که در آن عملیات تروریستی، صدها نفر به خاک و خون کشیده شده و در میان آن‌ها عده‌ای شهید و جانباز شدند.

د. براندازی نرم و سخت

به هرحال جمهوری اسلامی ایران مهمترین هدف این تفکرات که خود را زهر خورده‌ی انقلاب ۵۷ می‌دانند، است. آن‌ها با ابرازهای گوناگون نرم و سخت، دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی هستند و در این راه از هیچ گزینه و حتی جنایتی، فروگذار نخواهند کرد. اما نکته قابل تامل فعالیت این گروه‌ها و اپوزیسیون‌های خارج نشین، این است که تلاش آن‌ها در کشور با نقشه شوم تجزیه ایران، همراه است که برخی از مستبصرین این گروه‌ها مثل آقای آریاسب باوند، که مستند آن در فضای مجازی موجود است، بیان می‌کند که هدف آن‌ها تبدیل ایران، به چند کشور مجزا است و در این مسیر سعی می‌کنند از نیروی اقوام مختلف، به شدت بهره ببرند و این به این معناست که به نام ایران، بر علیه ایران...

ادامه دارد
محمدعلی غیبی

امروز خانه امامت از عطر وجود مولود زیبایی ولایت، آکنده گردیده و خانه هدایت، به شادباش تولد مهدی علیه السلام، گلباران شده است.

آسمان و زمین چشم انتظار ولادت ایشان بودند. خورشید هم به انتظار آمدن این مولود نشست. ارواح پاک همه پیامبران و اولیای الهی، گرداگرد خانه امام عسکری علیه السلام بی صبرانه منتظرانه دیدن نور جمال فرزند ایشان به سر می بردند.

طلوع آخرین خورشید

فجر نیمه شعبان بود، صدای آشنای اذان در کوچه پس کوچه‌های غریب شهر سامرا پیچید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ... هنگامی که خورشید وجود پیامبر ﷺ در آسمان مکه طلوع کرد، ظلمات شرك همه جا را پر کرده بود و صدای هلهله بت پرستان بر گرد الهه‌های تراشیده از چوب و سنگ، فضا را آلوده ساخته بود.

اما اینک در آستانه طلوع آخرین خورشید هدایت و رهبری، بانگ توحیدی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ از مرزهای شبه جزیره عربستان تا شام و قسمت‌های وسیعی از قاره آفریقا، همه جا طنین انداز شده و شهادت به رسالت رسول خدا ﷺ، بر مأذنه‌های سرتاسر سرزمین وسیع اسلامی، هر صبح و شام تکرار می‌شد. با این همه، جاهلیت، در چهره ای جدید هنوز پابرجا بود و با محصور کردن اهل بیت ﷺ، ظلمت شرك هم چنان باقی بود و غاصبان کاخ نشین در لباس خلافت پیامبر ﷺ، همچنان دست اندر کار محو توحید بودند.

شاید از این رو بود که حضرت مهدی ﷺ در آغاز ولادت، زبان به ذکر شهادتین گشودند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز پروردگار متعال نیست که شریک ندارد و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستاده و رسول خدا است.

امام حسن عسکری ﷺ که اینک با دیدن چهره زیبا و دلربای اولین و آخرین فرزند خویش، وعده خدا را عملی یافتند، سرشار از شادی، سر به سجده

طلوع آخرین خورشید

گذاشته و شکر الهی را به جای آورده و فرمودند: سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آن که جانشین مرا به من نشان داد؛ سپس سر از سجده برداشته و به حاضران نگاهی کرده و فرمودند: او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خدا ﷺ است، خدای تعالی او را در دوران غیبتش، حفظ فرماید و سپس او را آشکار کند و او زمین را پر از عدل و داد فرماید هم چنان که پر از جور و ستم شده باشد.^۱

اشک شوق، چشمان حضرت نرجس علیها السلام را پر کرده بود، آن قدر شاد بود که در بستر تاب نمی آورد. برخاست و نشست و به صورت نورانی و چشم‌های درشت فرزندش خیره شد. حضرت مهدی علیه السلام که در آغوش حکیمه خاتون قرار داشت، دست هایش را به طرف مادر، دراز کرد و لحظه ای بعد در آغوش گرم او جای گرفت.

امام علیه السلام از پدرش و او از جدش و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود: قائم علیه السلام از فرزندان من است، نامش، نام و کنیه اش، کنیه ی من است.^۲
صدای دلنواز صلوات در فضای کوچک خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام پیچیده بود و همه اهل خانه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌اندیشیدند که ای کاش ایشان هم بودند ... که صد البته بودند.

۱- کمال الدین، ج ۲، ب ۳۸، ح ۷، صص ۱۱۹-۱۱۸

۲- همان، ب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲

وعده تخلف ناپذیر

سلام بر شما ای بقیه الله در زمین، ای ذخیره خاندان وحی، ای آخرین امید... تولدتان مبارک.

ما سالروز میلاد شما را جشن می‌گیریم و به یکدیگر تبریک و تهنیت می‌گوییم و شکوفه‌های تحیت می‌افشانیم... اما همین که یادمان می‌آید که شما در غیبت به سر می‌برید، گل خنده‌های شوق بر لب‌هایمان پژمرده می‌شود و غمی بزرگ، بر جانمان سایه می‌افتد و نقش خیال را برده هم می‌زند، غم دوری شما عزیزترین...

آخر کدام هجران دیرپای تاریخ است که هزار و صد و هشتاد و شش سال به درازا کشیده شده باشد؟

آیا هجران امروز ما به فردای وصال شما می‌رسد؟

آیا درد عالم سوز ما را درمانی هست؟

آیا تشنگی ما را آب گوارایی فرو می‌نشانند؟

ای دلگرمی بی پناهان! می‌دانم صدای کودکان غزه و فلسطین که به جای لالایی مادران، صدای انفجار بمب و موشک در گوش آن‌ها می‌پیچد، را می‌شنوید!...

چقدر غنچه‌ی پرپر، چقدر لاله‌ی خونین، چه داغ‌ها که نشسته، بر روی قلب مردم فلسطین... ای پناه مردم غزه، ای امید مردم دنیا، شما

منتقم خون شهدا هستید، شما جواب همه ظلم و ستم‌ها را خواهید داد، کی و در چه زمانی این شب غم، سحر خواهد شد، کی شب ظلمت به پایان می‌رسد «الْمُسْتَفَاتُ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

مولا جان بیایید که زخم غریبی فلسطین، به لطف مرهم شما مداوا خواهد شد آقا جان! بیایید که همه چشم انتظار ظهورتان هستند تا دیگر هیچ کودکی بی‌گناهی مقابل چشمان مادر، جان ندهد!! و هیچ ظالمی نتواند به مظلومی ظلم کند...

آری! وعده خدا تخلف‌ناپذیر است. به یقین روزی خواهید آمد و انتقام خون‌های به ناحق ریخته شده و ظلم ظالمان را خواهید گرفت!
این یلدای هجران را صبحی در می‌رسد. این زمستان بی‌فروغ را قروم بهاران در هم خواهد شکست.

روزی خواهد رسید که آفتاب از کعبه خواهد دمید و گل‌های امید، شکوفه خواهند داد. زمین به نور پروردگارش، روشن خواهد شد.
شما خواهید آمد، بر کعبه تکیه خواهید زد و فریاد «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» را سر خواهید داد...

به امید آن روز

مقصر

بعضی از ماها عادت های بدی پیدا کردیم، یکی از آن ها، عادت به فلش اتهام است و این شاید یکی از تلخ ترین اتفاقات زندگی ما آدم های معاصر باشد. در حقیقت نپذیرفتن حق و حقیقت ما را به سمتی برده که انگار نمی خواهیم یا نمی توانیم بپذیریم که مقصر خیلی از اتفاقات هستیم. این فرآیند، جدای از ضعف شخصیتی که برای عموم مردم به دنبال دارد، در نهایت منجر به یک بدبینی ماندگار در بدنه عمومی جامعه خواهد شد، بدبینی نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به پیرامون و در نهایت این بدبینی یأس و ناامیدی را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، این موضوع، فضای بین خانواده ها را نیز به شدت تحت الشعاع قرار می دهد.

دغدغه

خانواده هایی که دغدغه فرزندان خود را دارند، نباید از خود سلب مسئولیت کرده و فرزندانشان را در فضای رسانه ای رها کنند.

این اتفاق شاید جزء تلخ ترین اتفاقات پیرامونی آن ها باشد، چرا که اصل تربیت فرزند، به عهده والدین است و عملاً رسانه ها در جایگاه سوم یا چهارم تربیتی قرار دارند.

اما بسیاری از والدین، به خاطر مشغله ها و زندگی های شلوغ، به راحتی از خود سلب مسئولیت کرده و در نهایت به سادگی فلش اتهام را به سمت دولت ها و یا حکومت ها نشانه می روند.

آینده سازی

خواسته با ناخواسته تربیت رسانه ای فرزندان، به عهده ماست و اگر بخواهیم این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهیم، می بایست کمی واقع گرایانه تر به این موضوع نگاه کنیم.

شاید اتفاقات مهمی در تربیت رسانه ای فرزندان ما موثر باشد، اما مهمترین اتفاق، محبت به فرزندان است، آن هم در این روزهایی که مشغله های والدین زیاد است و طبیعتاً گاهی ممکن است حوصله خانواده ها لبریز شده و رفتار نامناسبی با فرزندان خود داشته باشند.

محبت، حرف اول درک فرزندان است، چراکه در هنگام محبت، فرزند حس اطمینان بیشتری نسبت به والدین خود پیدا کرده و احساس آرامش می کند، همین آرامش او را به سمت بیان و گفتن از خود سوق می دهد. در این هنگام کافی است تا پدر و مادر کمی پای حرف فرزندی دلبندها بنشینند و نام این اتفاق به زبان ساده شاید این باشد: آینده سازی کودکان ...

نارضایتی

یکی از کارکردهای منفی رسانه ها، ایجاد حس منفی نسبت به ظاهر است که در بعضی از افراد ایجاد می شود و سبب نارضایتی شدید از ظاهر، در آن فرد می گردد و موجب خلق واژه‌ای جدید، به نام خودزشت‌انگاری، می شود و به یک پدیده روانشناختی اشاره دارد که در آن فرد، با استفاده از فیلتر نرم‌افزارهای شبکه اجتماعی، ظاهر دلخواهش را درست کرده و سپس آن عکس را نزد جراح پلاستیک برده و از او می‌خواهند چهره اش را بنابر عکسی که از خود آماده کرده، تغییر دهد. اخیراً محققان در بررسی‌های خود روی ۲۵۲ داوطلب دریافتند که هر چه افراد، به‌ویژه جوانان، با شبکه‌های اجتماعی، بیشتر سر و کار داشته باشند، بیشتر به سراغ جراحی‌های زیبایی می‌روند. به طور کلی شبکه‌های اجتماعی انگیزه‌ای مهم در انجام جراحی‌های زیبایی هستند.

احساس نارضایتی از ظاهر، فرد را به جای آن که در مسیر هدف، معنویت، شغل، حرفه و... قرار دهد، دائماً درگیر ظاهر و جسم خود، کرده و خواهان تغییر آن می شود.

سواد رسانه ای

سواد رسانه‌ای راهکاری مفیدی در راستای رفع آسیب‌های رسانه‌ای مربوط به جوانان و نوجوانان است. سواد رسانه‌ای در مورد هنر شکل‌گیری یک پیام، آگاهی ایجاد می‌کند. در یک مرحله یاد می‌دهد که پیام‌ها چگونه شکل می‌گیرند (نحوه‌ی ایجاد ساختار و جذابیت آن‌ها) و در مرحله‌ی بعد، یاد می‌دهد که چگونه پیام‌ها منتشر می‌شوند.



برگزاری مراسم دعای ندبه
مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری پیش همایش چهارمین
اجلاس ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری مراسم دعای ندبه همزمان با سالروز شهادت
حضرت احمد بن موسی الکاظم، شاهچراغ علیه السلام





برگزاری پیش همایش چهارمین
اجلاس ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
ویژه حوزه مدیران و محققان حوزه های علمیه
خواهران فارس- مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری مراسم جشن میلاد حضرت زهرا علیها السلام همراه با برنامه‌های شاد و متنوع مولودی خوانی و گروه سرود منتظران حضرت مهدی علیه السلام و اهداء جوایز و اطعام فاطمی در مهدیه صاحب الزمان علیه السلام - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شهرستان فسا





برگزاری دعای پرفیض ندبه همراه با اهدای جوایز و لوح تقدیر به دانش آموزان و نونهالان عزیز، معلمان گرامی و اهدای قاب احادیث به بانوان هم نام با حضرت زهرا علیها السلام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه میان شهر





برگزاری مراسم جشن ولادت حضرت علی (علیه السلام) همراه با سخنرانی؛ مولودی خوانی؛ گروه سرود؛ برنامه های شاد و متنوع و مسابقه فرهنگی و اهداء جوایز و ضیافت شام علوی در مهدیه صاحب الزمان (عج) - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شهرستان فسا





برگزاری مراسم پذیرایی و جشن میلاد مولا علی (ع) - ستاد نماز جمعه و بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه میمند





برگزاری مسابقه حفظ دعای عهد
وزارت آل یس بین معتکفین مسجد جامع
بنیاد فرهنگی مهدی موعود^ع شعبه میمند